

بررسی تطبیقی نفقه زن در حقوق ایران، انگلیس و امریکا^۱

زهرا گواهی^۲

نسرین هژبری^۳

چکیده

یکی از حقوق زوجه بر عهده زوج تأمین نفقه اوست که در اسلام بر عهده مرد گذاشته شده است. در این مقاله بررسی نفقه زن در حقوق ایران و میزان مطابقت آن با فقه امامی و نیز مقایسه سیستم دریافت نفقه در ایران با سیستم معاش زن در دو کشور انگلیس و امریکا مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که قانون باید پاسخگوی تحولات جدید زندگی انسان و اختلافات ناشی از این تحول در خانواده‌ها باشد، بررسی قوانین حقوقی کشورهای مختلف می‌تواند قانونگذار را در رفع نواقص احتمالی قوانین موجود و اجرای عدالت در جامعه یاری دهد. این بررسی از آن رو حائز اهمیت است که رویکرد نظام حقوقی کامن‌لا را درباره این موضوع روشن می‌کند. نفقه زوجه در حقوق ایران با وجود امتیازات فراوانی که نسبت به حقوق کامن‌لا دارد، از برخی جهات می‌تواند تغییرات رو به رشدی داشته باشد.

واژگان کلیدی

نفقه زن، تمکین، طلاق، نظام حقوقی انگلستان، نظام حقوقی امریکا، حقوق کامن‌لا، نفقه

زوجه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۱۹

zgovahi@yahoo.com

۲- استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

۳- استادیار گروه فقه و معارف اسلامی مجتمع آموزش عالی جامعه المصطفی واحد مشهد

n_hozhabri@yahoo.com

مقدمه

یکی از حقوق زن که در شریعت اسلام بر عهده مرد نهاده شده، تأمین نفقه اوست. حتی اگر زن دارای ثروت کلانی هم باشد، هیچ الزامی ندارد که از اموال شخصی خویش مایحتاج خود یا خانواده‌اش را تأمین کند (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۸۳). مقاله حاضر درصدد است تا در کنار بررسی نفقه زن در حقوق ایران و میزان مطابقت آن با فقه امامی، سیستم معاش زن را در خانواده در دو کشور انگلیس و امریکا مورد بررسی قرار دهد. این بررسی از آن رو حائز اهمیت است که رویکرد نظام حقوقی کامن‌لا را درباره این موضوع روشن می‌کند و مانند دیگر بررسی‌های تطبیقی در حوزه موضوعات حقوقی می‌تواند نقاط ضعف و قوت قوانین را نمایان‌تر سازد و به اجرای عدالت در جامعه یاری رساند.

این مقاله در جهت دستیابی به این اهداف، قوانین نفقه را در سه کشور ایران، انگلستان و امریکا در سه بخش مورد مطالعه قرار داده است. بخش اول به بررسی قوانین نفقه در دوران زندگی مشترک و پس از انحلال نکاح در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و منابع فقه امامی اختصاص دارد. بخش دوم مربوط به قوانین نفقه در کشور انگلستان است و بخش سوم به قوانین امریکا اختصاص یافته است. دو نمونه از آراء دادگاه‌های انگلستان و امریکا برای تبیین بیشتر موضوع نیز ذکر شده است. در پایان نیز نتایج این مطالعه تطبیقی آورده شده است. با توجه به تفاوت‌های اساسی سیستم تأمین معاش زن در ایران و نظام حقوقی کامن‌لا، امکان تطبیق موردی موضوعات مرتبط با نفقه در سه کشور امکان‌پذیر نبود. از این رو، نهاد نفقه در هر سه کشور در سه بخش مجزا مورد بررسی قرار گرفته است.

نفقه زن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

در این مبحث ابتدا مصادیق نفقه زن، شروط وجوب پرداخت، ماهیت و ضمانت اجرای نفقه زن مورد بررسی قرار گرفته و سپس نفقه زن پس از انحلال نکاح (اعم از طلاق، فسخ و وفات همسر) مورد توجه قرار گرفته است.

مصادیق نفقه زن

قانون مدنی پیش از اصلاح در آبان ماه ۱۳۸۱ نفقه را شامل مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت می‌شمرد و نهایتاً وجود خدمتکار را در صورت عادت یا حاجت زن از عناصر نفقه می‌دانست (ماده ۱۱۰۷). در بازنگری مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۹ ماده ۱۱۰۷، نفقه چنین تعریف شده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

بر اساس این تعریف:

۱- تفاوت این بازنگری با قانون سابق در عبارت «هزینه‌های درمانی و بهداشتی» است. البته با توجه به کلمه «از قبیل» می‌توان گفت این موارد از مصادیق تمثیلی نفقه است نه حصری.

فقها هم که اجزای نفقه را در ۸ گروه دسته بندی کرده‌اند بر شناسایی عناصر نفقه در عصر خویش توجه داشته و ملاک وجود نفقه در لسان فقهاء مباشرت به معروف دانسته شده و شناسایی موضوعات نفقه به عرف و عادت محول شده است (جبعی عاملی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۵۳؛ همان، ج ۵، ص ۴۶۹؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۲۵۷).

۲- در رابطه با کمیت و کیفیت نفقه ماده ۱۱۰۷ مقرر داشته است: «... به طور متعارف با وضعیت زن مناسب باشد...». رویه قضایی نیز این نظر را پذیرفته و دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۳/۲۹۲ این نظر را تأیید کرده است (کمانگر، ۱۳۶۵، ص ۱۷۸).

فقهای امامیه در رابطه با کمیت و کیفیت نفقه سه نظر داده‌اند:

برخی ملاک را حال زوج دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ هـ، ص ۲۰۷) برخی دیگر ملاک را حال زوجین و شماری نیز حال زوج دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۲۴۰). به این معنا که باید موقعیت و شأن خانوادگی و اجتماعی زوج مد نظر باشد (جبعی عاملی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۶۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۵).

از مفاد ماده «۱۲» قانون حمایت خانواده برمی‌آید در این مورد باید وضع زوجین مورد لحاظ قرار گیرد. در این ماده آمده است: «...دادگاه... میزان نفقه ایام عده را، باتوجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین معین می‌کند...» (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۸۸).

شروط وجوب پرداخت نفقه (رابطه حقوقی انفاق و تمکین)

ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی بیان می‌کند: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است» و در عقد منقطع اصل بر عدم تکلیف پرداخت نفقه است مگر در ضمن عقد نفقه پیش‌بینی شود. اما آیا وجوب انفاق از ناحیه زوج مشروط به تمکین زوجه است؟ یا وجوب انفاق مطلق است و زن به عقد نکاح متعهدله نفقه می‌گردد و حق مطالبه آن را دارد؟ برخی از فقها، تمکین را شرط استحقاق نفقه دانسته و عده‌ای نشوز را مانع و مسقط نفقه به حساب آورده‌اند. انتخاب هر نظر آثار و نتایج خاصی دارد. بنابراین شروطی که زوج را مکلف به پرداخت نفقه زوجه می‌کنند، می‌توان بدین‌گونه برشمرد:

۱- زوجیت: ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: «همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین، موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود». از لحن این ماده چنین برمی‌آید که در وجوب انفاق تحقق عقد کافی است و تمکین شرط استحقاق نفقه نیست.

۲- تمکین: تمکین دارای معنای خاص و عام می‌باشد. تمکین خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی (مانند عادت ماهیانه یا اعتکاف واجب) داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سرباز نزند. تمکین عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد (امامی و صفائی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱).

نظر مشهور در میان فقهای امامیه آن است که نفقه به سبب عقد دائم و به شرط تمکین کامل زن بر مرد واجب می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۹۸؛ حلی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۸). به نظر این گروه، عقد تنها پرداخت مهریه را واجب می‌کند و نمی‌تواند پرداخت دو عوض مختلف (مهریه و نفقه) را واجب کند. مطلق عقد در وجوب نفقه کافی نیست، چون نفقه ناشزه (زنی که از شوهر اطاعت نمی‌کند) بالاجماع ساقط است. همچنین مقتضای عقد آن است که وجوب نفقه مشروط به تمکین باشد و بدون آن به جهت اصل برائت ذمه نفقه واجب

نباشد. همچنین در هر روز، با تمکین نفقه همان روز مستقر می‌شود. ثمره حقوقی این نظر آن است که در دعوی زوجه برای مطالبه نفقه، علاوه بر اثبات رابطه زوجیت باید تمکین نیز ثابت شود. همچنین برای نفقه‌آینده نمی‌توان از مرد در برابر زن ضمانت کرد زیرا ضمانت کردن از شوهر طبق ماده ۶۹۱ ق.م. صحیح نیست و «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است». به نظر می‌رسد که نویسندگان حقوق مدنی به تبعیت از نظر مشهور تمکین را شرط استحقاق نفقه دانسته‌اند. در ماده ۱۱۰۸ آمده است: «هر گاه زن بدون مانع شرعی از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نیست». هر چند برخی از حقوق‌دانان معتقدند که ظاهر ماده ۱۱۰۲ ق.م. ناظر بر این است که تمکین شرط وجوب نفقه نمی‌باشد. بنابراین لازم است که از قانون مدنی در این مورد ابهام‌زدایی شود (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹؛ محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۹۶).

در مقابل نظر مشهور، به نظر برخی از فقها، وجوب نفقه مشروط به عدم نشوز است (خوئی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۹۳؛ زیرا نفقه مانند مهر است و عقد به تنهایی سبب وجوب آن و نشوز مسقط آن است. مستند این نظر علاوه بر اجماع، اطلاق ادله وجوب نفقه به مجرد عقد است این گروه علاوه بر استناد به عموم و اطلاق ادله وجوب پرداخت نفقه، به ادله وجوب نفقه برای زوجه مریض استناد کرده‌اند و گفته‌اند با وجود آن که تمکین در این حالت محقق نمی‌باشد، اما نفقه چنین زنی واجب است (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۶۳؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۰۲). در نقد نظر این گروه می‌توان گفت: اطلاق ادله از آن روست که اقتضای عقد چنین است که پس از ازدواج، زوجه در اطاعت شوهر باشد و از او تمکین کند. از این رو، تأمین مخارج خانواده بر عهده مرد است. عدم تمکین زوجه بیمار نیز در واقع عدم تمکین خاص است. در حالی که مقصود از تمکین در این بحث تمکین عام است.

ثمرات حقوقی پذیرش این نظر عبارتند از:

۱- برای مطالبه نفقه در محکمه زوجه کافی است وجود رابطه زوجیت بین خود و شوهرش را ثابت کند و شوهر که مدعی نشوز زن است باید آن را اثبات کند، همچنین برای نفقه‌آینده نیز می‌توان از مرد در برابر زن ضمانت کرد.

۲- به نظر بیشتر فقها، اگر زوجه صغیره باشد - و دخول بر او حرام باشد- نفقه ندارد؛

زیرا تمکین شرط استحقاق زوجه در مطالبه نفقه است. اما بنا بر نظر دوم، پرداخت نفقه به زوجه صغیره واجب می‌شود. زیرا رابطه زوجیت موجود است و نشوز محقق نمی‌باشد.

۳- اگر زوجه کبیره و زوج صغیره باشد بر اساس نظر مشهور، زن نفقه ندارد و بر اساس نظر دیگر نفقه زن واجب است (ارشدی، ۱۳۷۹، ص ۲۹-۳۰).

ماهیت حق زن بر نفقه

برای تأمین معاش زن، مرد اموال گوناگونی را در اختیار او می‌گذارد. در مورد اموالی که قابلیت بقا را در برابر استفاده ندارد، زن مالک نفقه است؛ زیرا در این مورد حق انتفاع از مالکیت جدا شدنی نیست، بنابراین زن مالک پولی است که برای تهیه غذا یا صابون و عطر به او داده شده و آنچه صرفه‌جویی کند، متعلق به خود اوست.

در مورد اموالی که با انتفاع باقی می‌ماند (خانه و لوازم)، معیار در تعیین حق زن با عرف است. بنابراین زن در تصرفات خود آزاد نیست و باید حدود عرف را رعایت کند (ماده «۳» قانون آئین دادرسی مدنی؛ صفائی و امامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸).

ضمانت‌اجرایی پرداخت نفقه

در صورت خودداری یا ناتوانی شوهر از دادن نفقه ماده «۱۰۵» قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا «۷۴» ضربه محکوم نماید». از لحن این ماده پیداست اگر مردی از بابت نفقه گذشته مبلغی به زن خود بدهکار باشد ولی مخارج ضروری او را در آینده تأمین کند، مشمول حکم ماده «۱۰۵» نیست و زن می‌تواند برای گرفتن طلب خود به دادگاه مدنی رجوع کند (ماده «۱۱۱» ق.م.). به عنوان ضمانت‌اجرایی این قانون در صورتی که مرد توانایی پرداختن نفقه را نداشته یا اموال خود را پنهان کند و مانع اجرای حکم شود، طبق ماده «۱۱۲۹» قانون مدنی زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق نماید (فرشتیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹). علاوه بر این در موردی که شوهر از دادن نفقه خودداری می‌کند یا قادر به پرداخت نفقه نیست، ماده «۱۱۳۰» قانون مدنی بیان

می‌دارد: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود».

از موارد عسر و حرج می‌توان به ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه، اعتیاد زوج، ضرب و شتم و سوء رفتار زوج، ابتلاء مرد به امراض مسری اشاره کرد (جعفرزاده، ۱۳۹۰، ص ۳۹۹).

نفقه زن پس از انحلال نکاح

پس از انحلال نکاح زن حق دریافت نفقه ندارد اما با توجه به ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی این اصل دارای استثنائاتی است: «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر این‌که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تازمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت».

بر اساس این ماده:

الف - نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است و در صورت وقوع طلاق رجعی در حال نشوز، زن مستحق نفقه نیست. مستند این حکم روایات فراوانی از جمله روایت زراره از امام باقر علیه السلام است (حرعاملی، ۱۳۷۶، باب ۸، ح ۱).

در طلاق بائن زن در مدت عده حق نفقه ندارد مگر این‌که از شوهر خود باردار باشد. وجوب نفقه مطلقه حامل در مدت عده، مورد اجماع فقهای امامی است (نجفی، ۱۳۲۷، ج ۵، ص ۳۵۴). اگر باینکه مدعی حمل شود بدون مطالبه دلیل قول او مسموع است و باید به او نفقه داده شود و اگر معلوم شود که حامله نبوده است، برخی از فقها گفته‌اند آنچه را به عنوان نفقه بعد از انقضای عده در مطلقه رجعیه حامله یا بعد از وقوع طلاق بائن در مطلقه باینکه داده است، مسترد می‌دارد (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۸۰). برخی از حقوق‌دانان با استناد به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۸ قانون مدنی قائل به استرداد نفقه هستند، اما فقط فرض

ادعای حمل از جانب بائنه را مطرح کرده‌اند (لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۵).

موارد فسخ نکاح در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ قانون مدنی بیان شده است. همچنین بنا بر ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی، مفسوخه حامل مستحق نفقه تا زمان وضع حمل است که مورد اتفاق فقهاء نیز می‌باشد (مامقانی، بی‌تا، ص ۳۹۲). باید دید نفقه مفسوخه حامله یا بائنه معتده حامل برای تأمین مخارج مادر است یا برای هزینه حمل؟ نظر مشهور فقیهان امامی این است که نفقه برای مادر است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۳۶۲). برخی دیگر نفقه را برای حمل دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰). بنابراین هنگامی که حمل نباشد در عده بائن نفقه واجب نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۵).

برخی از دلایل قائلان به تعلق نفقه به حمل، علاوه بر آیه ۶ طلاق و برخی روایات، عبارتند از:

۱- همانطور که وجوب نفقه‌زوجه دایر مدار زوجیت است، وجوب نفقه حامل (مطلقه یا مفسوخه) نیز دایر مدار حمل است (جبعی عاملی، ۱۳۷۱، باب منققات). شارع مطلقه بائنه حامل را مستحق دریافت نفقه دانسته برخلاف بائنه غیرحامل؛ زیرا حمل وجود دارد و تعلیق حکم بر وصف مشعر بر علیت است. علت وجوب پرداخت نفقه توسط شوهر، وجود حمل است که در شکم مادر قرار دارد.

۲- نفقه ناشزه ساقط است، حال اگر ناشزه حامل باشد اگر نفقه برای حامل باشد، نفقه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد. در این صورت آیا صحیح است که حمل چوب مادر ناشزه را بخورد در حالی که در قرآن آمده: «ولاتزرو وازره وزر اخی» (لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۸۱-۱۸۷).

از ظاهر ماده ۱۱۰۹ برمی‌آید که قانونگذار به پیروی از نظر مشهور، متعهده نفقه را حامل دانسته است. اگر قانون مدنی مستحق نفقه را حمل می‌شناخت، منقطعاً معتده حامل باید مستحق دریافت نفقه از پدر فرزند خود باشد، در صورتی که در ماده ۱۱۰۹ فقط مطلقه بائنه حامل یا مفسوخه حامل در مدت عده مستحق نفقه شمرده شده‌اند.

برخی از ثمرات این دو نظر عبارتند از:

۱- اگر نفقه برای مادر باشد به اعتبار زوجیت سابق است و با فوت زوج ساقط می‌شود، اما اگر برای حامل باشد، از موارد انفاق به سبب قرابت است و شوهر به اعتبار پدر حمل، نفقه مفسوخه یا مطلقه حامل را می‌دهد.

- ۲- چنانچه نفقه برای مادر باشد، میزان آن همانند نفقه متناسب با وضعیت زن است، اما اگر نفقه برای حمل باشد، میزان آن متناسب با وضعیت پدر است و به قدر رفع حاجت از منفق علیه. همچنین اگر حمل از خود دارایی داشته باشد، از دارایی او باید نفقه پراخت شود و اگر دارایی ندارد، پدر مکلف است که مخارج حمل را به مادر بپردازد.
- ۳- اگر نفقه از آن مادر باشد با فوت پدر استحقاق او به دریافت نفقه ساقط می‌شود. زیرا زوجه در عده وفات حق دریافت نفقه ندارد. اما اگر نفقه برای حمل باشد، چنانچه در مدت عده پدر فوت کند، از دارایی حمل به مادر داده می‌شود و اگر نداشته باشد، پرداخت نفقه برعهده جد پدری است.
- ۴- نفقه گذشته اقارب قابل مطالبه نیست و اگر پرداخت نفقه برای حمل باشد و شوهر آن را ندهد، زن مطلقه حامل نمی‌تواند نسبت به گذشته آن را مطالبه کند. اما اگر نفقه برای مادر باشد، چنانچه شوهر سابق آن را ندهد، بعداً زوجه مطلقه حامل می‌تواند آن را مطالبه کند؛ زیرا عدم پرداخت نفقه اقارب در صورت استطاعت منفق و نیاز منفق علیه تنها موجب ارتکاب معصیت است، ولی عدم پرداخت نفقه زوجه، موجب استقرار دین بر ذمه زوج است و باید آن را قضا کند. هر چند برخی احتمال داده‌اند که قضا واجب نباشد؛ زیرا قضای نفقه و مطالبه نفقه گذشته اختصاص به زوجه دارد و پس از طلاق، زوجیت متحقق نیست. در پاسخ می‌توان گفت که نفقه حق مالی است و در حقوق مالی اصل بر وجوب قضا است.
- ۵- چنانچه زن حامله در حال نشوز طلاق داده شود یا پس از طلاق ناشزه گردد، اگر نفقه برای حامل باشد، پرداخت آن واجب نیست و اگر نفقه برای حمل باشد، پرداخت آن واجب است (مامقانی، بی‌تا، ص ۳۹۲). همین حکم در مورد زن حامله ناشزه در ایام زوجیت نیز جاری است.
- ۶- اگر جنین مرده به دنیا بیاید، بنابر نظریه تعلق نفقه به حمل، هزینه‌های پرداخت شده مسترد می‌گردد، ولی بنابر نظر دیگر مسترد نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۶۴).
- ۷- اگر متعهدله نفقه، زوجه مطلقه یا مفسوخه باشد، زن می‌تواند نفقه را روز به روز مطالبه کند. اما در مورد نفقه حمل، پدر تعهد ندارد که بامداد هر روز، نفقه آن را بدهد و

فی الجمله رعایت این ضابطه ضرورت ندارد.

۸- اگر نفقه برای حمل باشد، نفقه منقطعه معتده حامل برعهده پدر است و اگر پدر فوت کند از مال طفل باید داده شود و اگر مالی نداشته باشد، به عهده جد پدری است، ولی اگر نفقه را برای حامل بدانیم، حق نفقه ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۵).

۹- ضمان نفقه گذشته حامل معتد در صورتی صحیح است که نفقه برای مادر باشد؛ زیرا حامل مستحق نفقه آینده است.

۱۰- ابراء زمه از نفقه گذشته صحیح است اگر نفقه برای حامل باشد.

۱۱- اگر زوج در ایام عده حامل، معسر شود در صورتی مدیون زوجه است که نفقه برای حامل باشد. زیرا تمکن و عدم تمکن زوج هیچ تأثیری در حق معتده حامل ندارد. ولی اگر نفقه را برای حامل بدانیم، اعسار زوج سبب سقوط تکلیف او در پرداخت نفقه می شود زیرا تمکن منفق، شرط پرداخت نفقه قریاء است (ارشدی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷-۱۱۰).

نفقه زن حامل در عده وفات

در ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی آمده: «در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه برعهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می گردد» (اصلاحی ۱۳۸۱/۹/۴). متن ماده (مصوب ۱۳۱۳) قبل از اصلاحیه به این صورت بود: «در عده وفات زن حق نفقه ندارد». اما فعلاً به موجب قانون زن در ایام عده وفات مخارج زندگی را به صورت مشروط می تواند دریافت نماید. اتفاق اقارب مشروط بر نداشتن بودن است، به گونه ای که نتواند بوسیله اشتغال به شغلی، معیشت خود را فراهم سازد (ماده ۱۱۹۷ ق.م).

بنابراین اگر شخصی فوت نماید و مالی از او نمانده باشد اقاربی که در قانون تعیین شده اند باید مخارج زندگی زوجه را بپردازند و عندالمطالبه بودن یعنی این که به محض درخواست باید پرداخت گردد مانند مهریه زن که معمولاً به صورت عندالمطالبه پیش بینی می شود.

برخی از فقها نیز به استناد روایتی از کنانی (حر عاملی ۱۳۷۶، باب ۱۰، ح ۱) بیان داشته اند

که در ایام حمل به زوجه نفقه تعلق می‌گیرد و باید از سهم جنین پرداخت شود (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۳۵۳). برخی دیگر از فقها به شرط اعسار زوجه متوفی‌عنها و حامل بودن او انفاق را از نصیب حمل و از ترکه پدرش تجویز کرده‌اند. یعنی پرداخت نفقه را از باب قرابت دانسته‌اند نه زوجیت. البته با وجود این‌که نفقه را از آن حمل دانسته‌اند، ولی استحقاق زوجه به دریافت آن را منوط به اعسار او کرده‌اند (حلی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹). بیشتر فقها زن حامل را در عده وفات مستحق نفقه ندانسته‌اند نه از اموال باقی مانده شوهر (ترکه) نه از سهم الارث فرزند؛ زیرا حمل زمانی دارای مال است که زنده متولد شود. حملی که حیات و مماتش معلوم نیست، نه مالی دارد و نه میراثی. از این‌رو، چگونه از مال کسی که مال ندارد انفاق شود؟ (حلی، ۱۳۷۳، ص ۲، ۷۲۲ و ۷۲۰).

نفقه^۱ در قوانین انگلستان

تمامی ازدواج‌ها در انگلستان توسط نماینده ثبت احوال انجام می‌شود. دولت بعضی از ازدواج‌های مذهبی را نیز به رسمیت می‌شناسد. پس از ازدواج شوهر قانوناً موظف است متناسب با میزان درآمدش همسر خود را از نظر مالی تأمین کند (P.w.Redmond, 1966, P.551). آئین مسیحیت از لحاظ شریعت و قانون پیرو آئین یهود است و آن‌ها معتقدند: «هنگام عقد ازدواج مرد خطاب به همسرش می‌گوید: تو را به عقد نکاح خود درآوردم و به یاری حق کلیه احتیاجات و لوازم زندگی متعارف تو را مادام که علقه زوجیت برقرار است بر عهده می‌گیرم» (فرشتیان، ۱۳۸۱، ص ۴۷). این الزام در قوانین و آئین‌نامه‌های مسیحیان، صراحتاً ذکر شده است، چنان‌که در آئین‌نامه آرامنه گریگوریان ماده ۳۷، صراحتاً مخارج خانوادگی بر عهده مرد گذاشته شده است و به موجب ماده «۴۸» مقررات کلیسای پروتستان و ماده «۲۱» قواعد مسیحی ارتودکس نیز مرد موظف به تأمین هزینه‌های زندگی همسرش شده است (همان‌جا).

در نظام حقوقی کامن‌لا نیز در ابتدا زن هیچ وظیفه‌ای در قبال حمایت مالی شوهرش

1- Spousal support.

نداشت، اما در سال ۱۹۴۸م قانونی تصویب شد که طبق آن زن و شوهر هر دو در برابر تامین مخارج زندگی مسؤول شناخته شدند (P.w.Rmond, 1996, P.551). هم‌اکنون حقوق زن شوهردار بر اموال مشترک زندگی زناشویی از «قانون مالکیت^۱ زن شوهردار» مصوبه اواخر سده نوزدهم و «قانون مالکیت و فرآیند زناشویی»^۲ در سال ۱۸۷۰م منتج می‌شود. بنابراین زن و شوهر در حد امکانات خود، همیاری را به یکدیگر مدیون هستند (نای بن سعدون، ۱۳۷۸، ص ۹۷).

شرط وجوب نفقه

پس از ازدواج هر یک از زن و شوهر در صورت نیاز طرف مقابل از نظر قانونی موظف است طرف مقابل را از نظر مالی حمایت کند، به‌عنوان مثال شوهر موظف است نفقه مادری را که در خانه از فرزندان مراقبت می‌کند و درآمدی ندارد، بپردازد. این مسؤولیت قانونی حتی پس از جدایی قانونی یا طلاق گرفتن باقی می‌ماند و طول ازدواج در پرداخت یا عدم پرداخت نفقه تاثیری ندارد. در صورتی که زن و مرد بدون این‌که ازدواج کنند به مدت دو سال با هم زندگی کرده باشند، هر دو نفر در قبال مخارج زندگی و پرداخت نفقه به طرفی که احتیاج دارد، مسؤول هستند.

بنابراین اگر قبل از دو سال تصمیم به جدایی بگیرند قانوناً موظف به پرداخت نفقه نیستند. پس از این مدت در صورتی که جدا شوند یا طلاق بگیرند، یکی از آن‌ها حق قانونی دریافت حمایت^۳ مالی از زوج دیگر را پیدا می‌کند و این حق (نفقه) غیر از حمایت مالی^۴ فرزندان است (Miller, 2007).

نفقه پس از انحلال نکاح

تعیین نفقه پس از جدایی یا طلاق به دو طریق صورت می‌گیرد:

- 1- Married Woman Property Act
- 2- Matrimonial Proceeding And Property Act
- 3-Spousal support
- 4- Child support

۱- نوشتن توافقنامه توسط زوجین در مورد نفقه، تقسیم اموال، حمایت مالی فرزندان و حضانت؛ ۲- رجوع به دادگاه.

در صورت توافق زوجین با راهنمایی وکلا در مورد مسائل یاد شده، توافقنامه را تحویل دادگاه می‌دهند و قاضی طبق آن حکم صادر می‌کند.

در دادگاه‌های خانواده بخشی به نام «برنامه پشتیبانی از زوجین در گرفتن نفقه» وجود دارد. وظیفه این بخش وادار کردن زوجین در رابطه با پرداخت به موقع نفقه است. گاهی اوقات با وجود بحث‌های متوالی که با حضور وکلای طرفین صورت می‌گیرد، زوجین به نتیجه‌ای نمی‌رسند در این صورت تصمیم‌گیری به عهده دادگاه گذاشته می‌شود. هزینه‌های دادگاه ۳۰۰۰ پوند تخمین زده می‌شود و در صورت درخواست بررسی مجدد این رقم تا ۱۰۰۰۰ پوند نیز افزایش می‌یابد. کسی که برای صدور حکم نفقه به دادگاه مراجعه می‌کند، اگر قانوناً ازدواج نکرده باشد لازم است یکسال از زندگی مشترکش گذشته باشد و در طی یک سال پس از جدایی فرصت دارد تا درخواست رسیدگی به مسائل مالی را تسلیم دادگاه نماید (Wolley and Cosolicitors, 2007).

نفقه در صورت فوت یکی از زوجین

طبق قانون خانواده مصوب سال ۱۹۳۸م، اگر یکی از زوجین فوت کند، زوج دیگر مستحق نفقه خواهد بود، مشروط بر این‌که ازدواج در طول حیات متوفی با رأی دادگاه فسخ نشده باشد و طرف باقی مانده، پیش از رأی دادگاه ازدواج مجدد نکرده باشد. بنابراین حکم نفقه در انگلیس، با مرگ طرف باقی مانده یا ازدواج مجدد وی خاتمه می‌یابد (Passingham, 1970, P.120).

چگونگی تأثیر مالیات بر نفقه

فردی که نفقه را می‌پردازد اگر ماهیانه نفقه بدهد از مالیات پرداختی او به دولت کم

می‌شود. گیرنده نفقه نیز موظف است افزایش درآمدش را به ماموران مالیاتی اعلام کند.^۱

تقسیم اموال

عوامل مؤثر در تقسیم اموال پس از انحلال نکاح عبارتند از:

- ۱- توافق پیش از ازدواج؛
 - ۲- فردی که ازدواج می‌کند قانوناً حق دارد در خانه همسرش، گرچه به نام او نباشد، زندگی کند.
 - ۱- در صورتی که زوجین دارای فرزند باشند، پس از طلاق، همسر حق دارد تا پایان دوره تحصیلات فرزندان در خانه همسرش اقامت کند؛
 - ۲- سن زوجین؛
 - ۳- طول رابطه زناشویی؛
 - ۴- ارزش املاکی که مشترکاً یا به تنهایی توسط هر یک از زوجین خریداری شده است.
- گرچه عوامل فوق در تقسیم اموال مؤثرند، قوانین خاصی در این زمینه وجود ندارد. آرا قضایی در نظام حقوقی انگلستان (کامن‌لا) از اهمیت به‌سزائی برخوردار است. به عبارت دیگر هر حکم قاضی، قاعده‌ای را ایجاد کرده و این احکام در مجموع نمایانگر حقوق انگلیس هستند. گاهی تصمیم دادگاه نسبت به زوجی که در طول ازدواج سخت کار کرده، منصفانه نبوده است. در این گونه موارد وکلا پیشنهاد می‌کنند که اطلاعات دقیق و کامل در مورد اموال و املاک در اختیار آن‌ها قرار گیرد تا بتوانند راه حل مناسبی ارائه دهند. همچنین به آن‌ها توصیه می‌شود تا قبل از رجوع به دادگاه مسائل مالی را بین خود حل نمایند و توافقنامه تنظیم شده را در اختیار دادگاه قرار دهند.
- اگر زوجین دارای فرزند باشند، دادگاه اولویت را از نظر مالی و تأمین مسکن به کسی می‌دهد که از بچه‌ها مراقبت می‌کند. با توجه به آراء صادره از سوی دادگاه‌ها به نظر می‌رسد که در زمینه تقسیم اموال مردها از مزایای کمتری نسبت به زن‌ها برخوردارند،

چون اغلب خانم‌ها از بچه‌ها نگهداری می‌کنند و درآمدشان نسبت به مردها کمتر است
(Wolley and Cosolicitors, divorce rights, 2007).

دادگاه‌های عالی قضائی در انگلستان تا سال ۲۰۰۰ میلادی اموال ازدواج را به نحوی که نیازهای منطقی زن و شوهر برآورده شود، تقسیم می‌کردند. به این ترتیب زوجی که دارائی بیشتری داشت قادر بود قسمت اعظم آن را نگاه دارد. اما در مورد طلاق آقا و خانم وایت^۱ همه چیز تغییر کرد. مجلس لردان^۲ طی حکمی اعلام کرد:

«احکام دادگاه‌های استیناف در طی سالهای متمادی منصفانه نبوده است. به این دلیل که در ازدواج‌های طولانی مدت عادلانه نیست که پس از طلاق تنها نیازهای منطقی زوج نیازمند در نظر گرفته شود، بلکه از این تاریخ به بعد لازم است همه چیز به‌طور منصفانه تقسیم شود و تنها به تأمین نیازهای عادی زوجین اکتفا نشود».

از آن زمان به بعد در موارد مشابه این طلاق، آراء دادگاه‌های عالی قضائی تغییر چشم‌گیری داشت. به عنوان مثال در ماجرای طلاق فوتبالیست معروف «ری پارلور»^۳ دادگاه او را محکوم به پرداخت یک سوم از دارائی‌هایش به مدت ۴ سال به همسرش نمود. علاوه بر این مبلغ، «ری»^۴ باب منزل را به نام همسرش کرد و موظف شد که سالانه مخارج فرزندان را نیز به همسرش بپردازد (Morly, 2006).

نفقه در قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا

از نظر تاریخی قانونی شدن پرداخت نفقه نتیجه عدم پذیرش طلاق در کشورهایمانند آمریکا و انگلستان بوده است. در این کشورها زن و شوهر حتی پس از جدایی فیزیکی در حکم زوج ازدواج کرده باقی می‌مانند. بنابراین شوهر موظف بود از همسرش حمایت کند. پس از پذیرش قوانین طلاق توسط قانونگذار، زن و شوهر موظف به پرداخت نفقه شدند و هیچ تفاوتی بین آن دو در قانون پیش‌بینی نشد.^۴

1- White
2- House of Lords
3- Ray Parlour
4- www.hg.org

نفقه در قوانین حقوقی امریکا (حقوق کامن‌لا) در سه مرحله بررسی می‌شود: در دوران ازدواج، بعد از جدایی و قبل از صدور حکم قطعی طلاق، بعد از طلاق. از این‌رو، در امریکا دستور پرداخت نفقه به صورت موقت^۱ یا دائمی صادر می‌شود. نفقه موقت مربوط به زمانی است که هنوز حکم نهایی طلاق توسط دادگاه صادر نشده است. دستورهای موقتی نفقه، نیازهای موقتی زوجین از قبیل حمایت از فرزندان و سکونت آن‌ها را بر طرف می‌کند و در آینده پایه و اساس پرداخت نفقه دائم قرار می‌گیرد. عواملی از قبیل سن زوجین، مهارت‌های شغلی آن‌ها، طول مدت ازدواج، درآمد زوجین و مالیاتی که می‌پردازند در پرداخت نفقه دائمی پس از صدور حکم طلاق مؤثرند.^۲

در تعداد کمی از ایالات امریکا سوءرفتار و تقصیری که بر مبنای آن حکم طلاق صادر شده است از عوامل مؤثر در تعیین نفقه محسوب می‌شود، مانند ایالات فلوریدا، تکزاس، جورجیا، کارولینای شمالی و پنسیلوانیا و آرکانزاس. در اکثر ایالات آمریکا، مانند کالیفرنیا، نیوجرسی، ایلینویز و نیویورک تقصیر زوجین در پرداخت نفقه در نظر گرفته نمی‌شود.^۳ مثلاً در ایالت کالیفرنیا، طبق ماده ۲۱۰۰ قانون مدنی خانواده، لزوم گردآوری و حفظ اموال خانواده، جلوگیری از حیف و میل اموال به هنگام جدایی، تامین حمایت مکفی و عادلانه از زن یا شوهر، سه سیاست اجتماعی در این ایالت به شمار می‌آید. ماده ۲۱۲۰ همین قانون نیز بر لزوم افشای بی‌قید و شرط اسرار مالی زن و شوهر که به تقسیم منصفانه اموال و حمایت مالی فرزندان کمک می‌کند، تأکید کرده است. در این ایالت قانون خانواده کمیت و کیفیت نفقه همسر را در سه بعد زمانی (دوران زندگی مشترک، بعد از جدایی و قبل از صدور حکم طلاق و پس از طلاق) مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر منبع و محل پرداخت نفقه نیز سه منبع مختلف جداگانه بررسی می‌شود: درآمد زن و شوهر در دوران زندگی مشترک و بعد از آن، اموال خانواده در کالیفرنیا و خارج از کالیفرنیا و اموال غیرخانوادگی زن و شوهر (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸).

1- Temporary Orders

2- www.family.findlaw.com

3- www.aboutdivorce.org

- به طور کلی عوامل مؤثر در پرداخت نفقه عبارتند از:
- ۱- زوجی که از او درخواست نفقه شده است، در طی دو سال قبل از تقدیم درخواست طلاق به دادگاه به ایجاد خشونت در خانواده محکوم شده باشد؛
 - ۲- حداقل طول مدت ازدواج ده سال باشد؛
 - ۳- زوج درخواست‌کننده قادر به تأمین نیازهای طبیعی‌اش نباشد؛
 - ۴- زوج درخواست‌کننده نفقه ناتوانی ذهنی یا جسمی داشته و حضانت فرزندان را به عهده داشته باشد؛
 - ۵- منابع مالی زوجین و توانایی آن‌ها در تأمین نیازهای روزانه بدون وابستگی به زوج دیگر؛
 - ۶- توانایی مالی همسر پرداخت‌کننده با توجه به درآمد، اموال و سطح زندگی او و دارائی و بدهی هر دو همسر (خانوادگی یا شخصی)؛
 - ۷- تخصص و کارآیی همسر نیازمند، نیاز بازار کار به تخصص همسر، مدت زمان و هزینه لازم برای بالابردن درجه سطح تخصص همسر و نیاز به آموزش علمی و عملی در سایر رشته‌های تخصصی مورد نیاز؛
 - ۸- طول دوران ازدواج، سن و شرایط جسمی و روحی زن و شوهر و دشواری‌های مالی دو همسر؛
 - ۹- سهمی که هر یک از آن‌ها در کسب تحصیلات، تعلیمات یا افزایش درآمد زوج دیگر یا در انجام کارهای خانه داشته‌اند؛
 - ۱۰- تأثیر ازدواج در تقلیل ظرفیت تولید درآمد در حال حاضر و در آینده به علت اداره امور خانواده؛
 - ۱۱- سوءرفتار زوجی که خواستار دریافت نفقه است و تلاش او برای پیدا کردن شغل مناسب؛
 - ۱۲- ارتکاب زنا (در فلوریدا این عامل در پرداخت نفقه مؤثر است)؛
 - ۱۳- مقدار نفقه ماهیانه نباید بیشتر از کمترین دو مقدار ۲۵۰۰ دلار یا ۲۰٪ از درآمد کل ماهیانه زوج باشد^۱.

نفقة در دوران زندگی مشترک

به موجب ماده ۷۲۰ قانون خانواده وظیفه حمایت از همسر نیازمند، مشروط به هیچ شرطی نیست. همچنین طبق ماده ۴۳۰۰ قانون خانواده، اگر اموال خانوادگی برای حمایت از همسر نیازمند کافی نباشد، لازم است از محل اموال غیر خانوادگی از همسر حمایت و نگهداری شود. مقدار و میزان حمایت نیز مطابق ماده ۴۳۰۱ قانون خانواده، بستگی به شرایط مالی و نیازهای دو همسر دارد.

نفقة پس از جدایی و پیش از صدور حکم طلاق

طبق ماده ۴۳۰۲ قانون خانواده، چنانچه زن و شوهری داوطلبانه جدا زندگی کنند، وظیفه حمایت مالی شوهر ساقط می‌شود، مگر آن‌که قبلاً در این مورد به توافق رسیده باشند. البته در صورتی که دو همسر به قصد طلاق از یکدیگر جدا شده باشند، وظیفه حمایت مالی ساقط نمی‌شود. همچنین مطابق ماده ۳۶۰۰ قانون خانواده، قاضی دادگاه با اختیاری که قانون خانواده به دادگاه داده است، می‌تواند تا پیش از صادر کردن حکم طلاق، یک همسر را مکلف به پرداخت نفقه همسر دیگر سازد (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹). این حق مالی با مراجعه زوجین به یکدیگر به قصد آشتی، از بین می‌رود، مگر آن‌که دادگاه دستور پرداخت نفقه در دوران آشتی را هم داده باشد (ماده ۳۶۰۲ قانون خانواده). در حقیقت هدف قانون حفظ وضعیت زندگی همسر نیازمند بر مبنای سطح زندگی وی در دوران ازدواج است. در این دوران دستور پرداخت نفقه طبق فرمول ۵۰٪ و ۴۰٪ صادر می‌شود. به این ترتیب که دادگاه درآمد زن و شوهر را بررسی می‌کند و معادل ۵۰٪ از درآمد همسر کم درآمد را از ۴۰٪ درآمد همسر پردرآمد کسر کرده، تفاوت این دو را معیار نفقه همسر قرار می‌دهد. اجبار یک همسر به پرداخت بدهی‌های ضروری خانواده یکی دیگر از راه‌هایی است که دادگاه برای حمایت از همسر نیازمند به کار می‌برد (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱).

نمونه‌ای از آرای صادره در رابطه با پرداخت نفقه را (به علت اهمیت رویه قضائی در

حقوق کامن‌لا) ذکر می‌کنیم:

موضوع پرونده: حمایت مالی همسر پس از جدایی و پیش از طلاق. رأی دادگاه بدوی: ۳۵۰۰ دلار نفقه موقت در ماه (برای خانم خانه‌دار ۶۳ ساله بدون تخصص، ۱/۵ سال تحصیلات دانشگاهی و ۸/۵ سال پیش از طلاق شغلی نداشته است) به تاریخ ۱۵ ماه پیش از تقاضای نفقه و دریافت یک میلیون دلار پول وکیل مدافع.

رأی دادگاه استیناف: رأی دادگاه بدوی بر اساس نیاز همسر متقاضی و امکان پرداخت همسر دیگر صادر شده است. امکان پرداخت وسیع‌تری با توجه به میزان درآمد همسر پرداخت‌کننده وجود دارد. دادگاه بدوی به این نتیجه رسیده است که شوهر بیش از ۲۰ میلیون دلار ثروت و درآمد غیراستخدامی را به نام اشخاص دیگر اما به نفع خود انتقال داده است. دادگاه می‌تواند اموالی را که نهایتاً از طرف شوهر اداره می‌شود، همچنین درآمد غیر استخدامی را مبنای پرداخت نفقه موقت قرار دهد. بنابراین اعتراض شوهر مورد پذیرش قرار نگرفته است. زمان پرداخت نفقه و حق دریافت آن از زمان تقاضای صدور طلاق است، اگرچه همسر به اشتباه تقاضای پرداخت به موقع نکند (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷).

نفقه پس از صدور حکم طلاق یا جدایی قانونی

طبق مواد ۴۳۵۰ و ۴۳۰۰ قانون خانواده دادگاه مختار است به هنگام صدور حکم انحلال ازدواج یا جدایی قانونی تا مدت زمانی که صلاح می‌داند همسری را موظف به حمایت از همسر دیگر کند. رأی دادگاه با توجه به امکانات مالی فرد، سطح زندگی خانواده در دوران ازدواج و همچنین با توجه به شرایطی که قانون خانواده معین می‌کند صادر می‌شود. به عنوان شرط صدور رأی، دادگاه می‌تواند همسر حمایت‌شونده را وادار کند تا شغل مناسبی پیدا کند و در صورت لزوم او را مکلف کند با کارشناس استخدامی به منظور تعیین میزان کاریابی و امکان تولید مصاحبه نماید (مواد ۴۳۳۱ و ۴۳۳۰ قانون خانواده). نفقه معمولاً در پایان مدت معین شده از طرف دادگاه به پایان می‌رسد و چنانچه پیش از پایان این مدت تقاضای تجدید نظر از دادگاه نشود صلاحیت صدور حکم مجدد از دادگاه گرفته خواهد شد.

در ازدواج‌های دراز مدت (بیش از ۱۰ سال) صلاحیت دادگاه دائمی است (ماده ۴۳۳۶

قانون خانواده)، به این معنا که دادگاه موظف است در هنگام صدور رأی، پایان دادن به پرداخت نفقه را منوط به بررسی شرایط دو همسر در آینده نماید. در ازدواجهای کوتاه مدت (زیر ۱۰ سال) دادگاه باید مدت پرداخت نفقه را معین کند، مگر آنکه تعیین مدت منصفانه و عادلانه نباشد (ماده ۴۳۳۳). پرداخت نفقه (اعم از کوتاه مدت یا دراز مدت) در صورت توافق زوجین می‌تواند به مدت زمانی خاص یا فوت یا ازدواج یکی از زوجین محدود شود (ماده ۴۳۳۷). همچنین در صورت عدم وجود فرزند یا ثروتمند شدن یکی از زوجین یا تشکیل زندگی مشترک غیرزناشویی که منجر به برطرف شدن نیازهای فرد گردد از عوامل متوقف ساختن پرداخت نفقه توسط دادگاه می‌تواند باشد (مواد ۴۳۲۲ و ۴۳۲۴ قانون خانواده).

در قوانین حقوقی آمریکا تقسیم اموال پس از طلاق، (جدا از مسأله نفقه) با توجه به وضعیت اقتصادی زوجین، سن و سلامت آنها، به دو روش صورت می‌گیرد: ۱- تقسیم مساوی اموال^۱؛ تقسیم جمعی اموال^۲. اکثر ایالات آمریکا (۴۲ ایالت) مانند پنسیلوانیا، یوتاه، فلوریدا، نیویورک و واشنگتن دی سی) برای تقسیم اموال پس از طلاق از این روش استفاده می‌کنند. دادگاه در این طریق اموال را بطور منصفانه و با در نظر گرفتن عواملی مانند: سوء رفتار زوجین، گناهی که حکم طلاق بر اساس آن صادر شده است و تقصیر زوجین در کاهش درآمد اقتصادی خانواده تقسیم می‌کند، البته در بعضی ایالات این دو عامل به هیچ وجه در تقسیم اموال مؤثر نیستند.

در این روش اموال و دارائی که در اختیار زوجین است و جزء اموال ازدواج^۳ محسوب می‌شود و همچنین اموالی که هر یک از زوجین قبل از ازدواج به دست آوردند و اکنون جزء اموال ازدواج محسوب می‌شود یا در طی دوران ازدواج به آنها به ارث رسیده یا تحت عنوان هدیه‌ای دریافت کرده‌اند بین زن و شوهر به طور مساوی و عادلانه تقسیم می‌شود. اموالی هم که اختصاصی آنها بوده و با اموال ازدواج مخلوط نشده باشد،

1- Equitable distribution

2- Community Property

www.familyfindlaw.com/divorce/divorce_alimony(www.divorcelawinfo.com)

3- Marital Property

تقسیم نمی‌شود.^۱ بنابراین تمام اموالی را که در طی دوران ازدواج توسط هر یک از زوجین به دست آمده است، مانند درآمد آنها، جزء اموال مشترک محسوب می‌کنند و پس از طلاق یا فوت، هر کدام از آنها نیمی از اموال را دریافت می‌کند، مگر اموالی که هدیه گرفته‌اند.^۲

۳-۴- نفقه پس از مرگ حمایت کننده

بنا بر ماده ۴۳۶۰ قانون خانواده، دادگاه در صورتی که مصلحت بداند پرداخت نفقه را حتی پس از مرگ همسر حمایت کننده نیز پیش بینی می‌کند. بعنوان مثال در ازدواجهای درازمدت که ضمن آن یک همسر دچار نقص جسمی یا روحی شده است، دادگاه حکم به ادامه پرداخت نفقه پس از مرگ حمایت کننده می‌دهد. در این گونه موارد دادگاه می‌تواند همسر حمایت کننده را موظف به خرید بیمه عمر به نفع همسر نیازمند کند (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴).

یافته‌های پژوهش

آنچه در وهله اول در این مقایسه تطبیقی خودنمایی می‌کند آن است که در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران نفقه بر عهده مرد و در نظام حقوقی کامن‌لا بر عهده زن و شوهر است. قوانین ایران با توجه به وظایفی که عرفاً برای زوجین در خانواده تعریف شده است به عدالت نزدیک‌تر است. همچنین دریافت نفقه توسط زن منوط به ادای وظیفه او در قبال همسر (تمکین) است، در حالی که در حقوق کامن‌لا نیاز مالی زوجین شرط وجوب نفقه است و ظاهراً به محض انعقاد عقد نکاح یا بدون تحقق عقد نکاح و زندگی مشترک به مدتی خاص پرداخت واجب می‌شود.

طبق ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی زن فقط در ایام عده وفات مخارج زندگی را به صورت مشروط می‌تواند دریافت نماید. در حالی که طبق قانون خانواده مصوب سال ۱۹۳۸م در

1- www.divorcenet.com

2- Non Marital Property (www.Family.findlaw.com/divorce/divorce_Alimony)

حقوق کامن‌لا اگر یکی از زوجین فوت کند زوج دیگر مستحق نفقه خواهد بود که البته محدود به دوران مخصوصی به نام دوران عده نیست.

در کمیت و کیفیت نفقه در حقوق کامن‌لا، بویژه در امریکا، عواملی از قبیل سن زوجین، طول مدت ازدواج و مهارت‌های شغلی زوجین مؤثر است، در حالی که این شرط به نحوی متفاوت در نظام فقهی حقوقی ایران در نظر گرفته شده است. چنان‌که ماده ۱۱۰۷ ملاک در کمیت و کیفیت نفقه را وضعیت زن می‌داند و برخی عرف، عادت، شأن و مرتبه اجتماعی و ملائمت و قدر کفایت را شرط دانسته است.

به نظر می‌رسد وجوب تأمین نفقه از سوی زن در حقوق کامن‌لا با شرایط جسمی و روحی زن سازگار نیست و قانونگذار در این زمینه خطا کرده و به جای بها دادن به زنان موجب پایمال شدن حقوق انسانی آن‌ها شده است. البته با وجود این ضعف آشکار، نقاط قوت بسیاری در این قوانین وجود دارد، مانند دریافت نفقه پس از فوت همسر که در برخی موارد دادگاه خانواده شوهر را ۵ تا ۱۱ سال پس از انحلال نکاح ملزم به پرداخت نفقه به همسر نیازمند کرده است. با تکیه بر این استدلال که زن با خانه داری و مراقبت از فرزندان شانس کمتری برای برخورداری از تحصیلات عالی و مقام اجتماعی نسبت به مرد در طول دوران ازدواج داشته است. مطلب قابل توجه در حقوق کامن‌لا این است که زن و شوهر از حق یکسانی در زمینه دریافت نفقه برخوردار هستند، اما اغلب خانم‌ها نفقه را پس از انحلال نکاح دریافت می‌کنند.

با توجه به این تفاوت‌ها اصلاح این مواد قانونی به منظور فراهم کردن استقلال مالی زن پس از طلاق پیشنهاد می‌شود:

۱- در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی لازم است وضعیت زوجین با رعایت عرف محل و زمان تعیین گردد و در فقه نیز از این نظر جانب‌داری شده است.

۲- از ماده ۱۱۰۲ (وجوب نفقه مشروط به انعقاد عقد نکاح) و ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی (شرطیت تمکین در استحقاق نفقه) لازم است رفع ابهام شود.

۳- با توجه به عدم تعریف تمکین و نشوز در قانون مدنی و مراجعه محاکم برای تبیین این دو مفهوم به فقه، عرف یا تفسیر شخصی بهتر است قانونگذار ضمن تعیین مواردی

که نشوز محسوب نمی‌شود برای احراز نشوز مرد را ملزم به ارائه دلیل در دادگاه برای اثبات نشوز کند.

۴- حکم نفقه مطلقه بائن غیرحامل و نیز نفقه زن غیرحامل در فسخ نکاح قابل پیش‌بینی است.

۵- با توجه به حق تقدم نفقه زن بر نفقه سایر اقارب و سایر دیون در مواد ۱۲۰۳ و ۱۲۰۶، بجاست این مواد حق تقدم نفقه زن را بر دیونی که وثیقه دارند یا بر مطالبات دولت و سازمان‌های اجتماعی پیش‌بینی کند و آن را در صدر طبقات پنج‌گانه منعکس در ماده ۲۶۶ قانون امور حسبی و ماده ۵۸ قانون تصفیه ورشکستگی قرار دهد.

۶- نفقه گذشته زن، به تضمینات دیگری مثل ضمانت اجرای کیفری یا ضمانت اجرای مدنی (مثلاً اذن طلاق از دادگاه) لازم دارد تا به صورت یک دین ساده که تنها حق مطالبه برای زوجه ایجاد می‌کند، تلقی نشود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ❖ ابن سعدون، نای (۱۳۷۸)، *حقوق زن از آغاز تا امروز* (ترجمه گیتی خورسند)، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ❖ ارشدی، علی یار (۱۳۷۹)، *نقشه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند*، تهران، انتشارات عدالت آراء
- ❖ امامی، اسدالله، صفائی، حسین (۱۳۷۶)، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، نشر دادگستر
- ❖ امامی، حسن (۱۳۴۳)، *حقوق مدنی خانواده*، انتشارات اسلامی، قم
- ❖ بحرانی، یوسف (۱۴۰۵هـ)، *الحدائق الناظره*، بیروت
- ❖ جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۷۱)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی
- ❖ _____ (۱۳۷۳)، *قواعد الاحکام*، قم، انتشارات اسماعیلیان
- ❖ _____ (۱۴۱۳هـ)، *مسائل الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه معارف اسلامی
- ❖ جعفرزاده، علی (۱۳۹۰)، *حقوق مدنی خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران، انتشارات جاودانه
- ❖ جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۵)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ❖ حاجیان، عباس (۱۳۷۹)، *طلاق در کالیفرنیا*، تهران، نشر کتاب
- ❖ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۶)، *وسائل الشیعه*، تهران، چاپ تهران
- ❖ حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین (۱۳۷۳)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، انتشارات امیر، قم
- ❖ _____ (۱۳۶۲)، *مختصرالنافع*، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی

- ❖ حلّی، یحیی بن سعید (۱۲۸۵)، *الجامع للشرايع*، بی‌جا، داراحیاء التراث العبی
- ❖ خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۵هـ)، *منهاج الصالحین*، قم، مدنیه العلم
- ❖ صفار، محمدجواد (۱۳۸۴)، *بازپژوهی حقوق زن (بررسی قوانین قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی ایران)*، تهران، انتشارات روزنو
- ❖ طباطبائی، محمد حسین (۱۳۵۷)، *تفسیرالمیزان*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء
- ❖ طباطبائی، علی (۱۳۸۴)، *ریاض المسائل*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه
- ❖ طرابلسی ابن براج (۱۴۰۶هـ)، *المهذب*، قم، مؤسسه نشر اسلامی
- ❖ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (بی‌تا)، *التبیین*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه
- ❖ ——— (بی‌تا)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه
- ❖ فرشتیان، حسن (۱۳۸۱)، *نفقه زوجه (پژوهش تطبیقی حقوق مدنی ایران و سایر نظام‌های حقوقی)*، قم، انتشارات بوستان کتاب
- ❖ کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ❖ کمانگر، احمد (۱۳۴۳)، *اصول قضایی حقوقی*، تهران، انتشارات میزان
- ❖ مامقانی، محمدحسن (بی‌تا)، *مناهج الیقین*، نجف
- ❖ محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۵)، *تحلیل فقهی حقوق خانواده*، تهران، نشر علوم اسلامی
- ❖ موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۳)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه نشر اسلامی
- ❖ نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، دارالکتب الاسلامیه
- ❖ یشربی قمی، علی محمد (۱۳۷۶)، *حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی قم

منابع انگلیسی

- ❖ Passingham, Bernard,(1970),law and practice in Matrimonial causes
- ❖ Redmond.p.w,(1966),Generalprinciples of English law

- ❖ Miller, Joe, (2006), Spousal support, Retrieval from:
<http://www.compact law. co.uk>
- ❖ Wolley and Co Solicitoes (2007), what if we can't agree a Financial settlement?, Retrieval from:
<http://www.compact law. co.uk>; <http://www.ag.gov.b.c.ca / family Justice/law/index.htm>
- ❖ Wolley and Co Solicitoes (2007),property rights,Retrieval from:
<http://www.compact law.co.uk>, <http://www.Family law firm.co.uk>
- ❖ D.Morley, Jeremy,(2006),English divorce law in turmoil, Retrieval from:
http://www.inter national_divorce/d_england.htm
<http://www.hg.org>
<http://Family.find law.com>
<http://www.about divorce.org>
<http://www.divorcenet.com>
http://www.Family find law.com /divorce/divorce_alimony
<http://www.divorce law info.com>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.